

# زمینه‌های عینی شکل‌گیری سنت‌گرایی در نظام فکری

## سید حسین نصر

سید سجاد آل سیدغفور \*

مسعود معینی پور \*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۵

### چکیده

موضوع مقاله حاضر زمینه‌های عینی اندیشه سیدحسین نصر است. (مساله) این موضوع از این رو حائز اهمیت است که گفتمان سنت‌گرایانه در کنار دو گفتمان بنیادگرایانه و متجدد از اسلام، متفکران و ناقدان بسیاری دارد. در بررسی اندیشه متفکران می‌توان از روش‌های گوناگون استفاده نمود. در این پژوهش، سعی شده با استفاده از روش هرمنوتیک اسکینر، به زمینه‌های عینی اندیشه سیاسی نصر پی‌برده شود. (روش) در ابتدا روش اسکینر و مفاهیم عمده آن توضیح داده شده است که بر دو عنصر قصد و زمینه تأکید دارد. همچنین سعی شده است دورنمایی از امکانات روش فوق برای بررسی اندیشه سیاسی ترسیم شود. سپس به بررسی زندگی نصر با عنوان زمینه‌های عینی اندیشه وی اشاره گردیده است. زمینه‌های عینی اندیشه سیدحسین نصر به معنای بررسی بیوگرافی و زندگینامه شخص از آغاز زندگی تا رسیدن به بلوغ فکری و سپس تا حال حاضر برای فهم هر چه بهتر نحوه شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های مؤلف در بستر تاریخ است که چگونه تعلیم و تربیت در روابط اجتماعی در آرای یک شخص تأثیرگذارند و سپس به بررسی محیط فکری و سیاسی مؤلف می‌پردازد که امکان فهم و بررسی هر چه بهتر آثارش را فراهم می‌سازد. (یافته‌ها)

### سپهر سیاست

سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

**کلیدواژه‌گان:** اسکینر، زمینه‌های عینی، سنت، سنت‌گرایی، سیدحسین نصر.

\* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران

رایانامه: [aleghafoor@gmail.com](mailto:aleghafoor@gmail.com)

\*\* استادیار، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران

## چیستی و اهمیت سنت‌گرایی

شناخت جریان‌های معرفتی از دغدغه‌های مهمی است که نیازمند تأمل نظری بیشتری است. یکی از این جریان‌ها سنت‌گرایی است و این مقاله در نظر دارد زمینه‌های عینی سنت و سنت‌گرایی را در یکی از داعیه‌داران اصلی آن؛ یعنی سیدحسین نصر مورد سنجش و بازخوانی قرار دهد. سنت‌گرایی جریانی متمایز از سایر طرفداران سنت است که خواستار احیای امور مربوط به گذشته هستند. این نگرش در پی تحولات مدرن و معضلات ناشی از آن رواج‌یافت و مورد توجه قرار گرفت. این جریان در ابتدای قرن بیستم توسط رنه گنون، آناندا کوماراسوامی و فریتیهون شووان شکل گرفت و در میان این سه تن گنون و شووان مسلمان هستند و آرای آنان با اندیشه اسلامی قرابت بیشتری دارد. گنون نام اسلامی عبدالوحید یحیی و شووان نام شیخ عیسی نورالدین احمد را بر خود نهادند. کوماراسوامی مسلمان نیست و بیشتر در زمینه هنر سنتی قلم زده‌است. پس از این سه تن بورکهارت، مارتین لینگز و نصر قرار دارند. بورکهارت، لینگز - نام ابوبکر سراج‌الدین را بر خود نهاد - و نصر نیز مسلمان هستند؛ اما نقش اندیشه‌ای نصر به دلایل مختلفی دارای اهمیت است: به دلیل وسعت مطالب و پرکار بودن نصر که حدود ۵۰ کتاب و چهارصد مقاله پژوهشی به زبان‌های متعدد از وی منتشر شده است و به دلیل آنکه وی ایرانی و مسلمان است و به عنوان یکی از مهم‌ترین پژوهش‌گران زمینه‌های مطالعات اسلامی و به عنوان یکی از مشهورترین و شناخته‌ترین فیلسوف ایرانی در غرب به حساب می‌آید و متفکران ایرانی بسیاری را تحت تأثیر خود قرار داده است و در نهایت آنکه وی تنها نماینده مهم زنده این جریان به حساب می‌آید.

ایران معاصر شاهد وجود چهار جریان فکری بوده است: ۱. چپ کمونیست ۲. راست لیبرال ۳. مذهبی ۴. سنت‌گرایی. سنت‌گرایی جریانی است که در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این جریان با به چالش کشیدن غرب و آموزه‌های آن، نظر بسیاری از منتقدان غرب از جمله مسلمانان را به خود جلب کرده است. غالب نظریه‌پردازان سنت‌گرایی مسلمان هستند و همین امر موجب توجه هرچه بیشتر مسلمانان به این مکتب فکری شده است. این مطلب دارای اهمیت است که



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

بزرگ‌ترین تفاوت میان دو نگرش فکری معاصر ایران؛ یعنی شریعتی و نصر، در تفسیر آن دو از اسلام و نحوه برخورد با غرب است. انتقاد شریعتی بر محور امپریالیستی یا استعماری غرب است، اما انتقاد نصر به غرب به دلیل تجدد است. در حالی که شریعتی از بعضی تحولات در درون غرب الهام می‌گرفت و غرب را انباشتی از چیزهای گوناگون می‌دید که می‌توان از میان آنها چیزهایی را برگزید، نصر معتقد است که تمدن مدرن به طور کلی مردود است. (بروجردی، ۱۳۷۸: ۱۹۷) با توجه به گسترش اندیشه سنت‌گرایان و مورد اقبال قرار گرفتن آن در میان نسل معاصر ایران، این مقاله در صدد است که اهمیت زمینه‌های عینی را در فهم اندیشه‌ای نصر برجسته نماید.

### کلیات و مفاهیم

**سنت:** به معنای راه، روش، سیرت، طریقه، عادت و در فقه به معنای کردار، گفتار و تقریر معصوم است. (معین، ۱۳۸۸: ۴۴) سنت به معنای حقایق یا اصولی است دارای منشائی الهی که از طریق شخصیت‌های مختلفی معروف به رسولان، پیامبران، لوگس و ... برای ابنای بشر آشکار و با به کارگیری این اصول در حوزه‌های مختلف، اعم از ساختار اجتماعی و حقوقی، هنر، رمزگرایی و علوم همراه است و البته معرفت متعالی، همراه با وسائلی برای تحصیل آن معرفت را نیز شامل می‌شود. (نصر، ۱۳۸۰: ۱۳۵)

**سنت‌گرایی:** به جنبش فکری که در اوایل قرن بیستم آغاز شد، اشاره دارد. سنت‌گرایان وقتی به سنت مصطلح در زبان انگلیسی اشاره می‌کنند، آن را با T بزرگ (Tradition) می‌نویسند، ولی سنت به معنای عادی را کوچک می‌نویسند. (اعوانی، ۱۳۷۷: ۳۳) سنت‌گرایان به مجموعه حقایق همه‌جایی و همیشگی سنت می‌گویند و به این مجموعه حقایق همه‌جایی و همیشگی، تعلق خاطر، التزام نظری و عملی دارند. پس مدعای مهم آنان اصل وجود حقایق فراگیر و جهانی است که به سه بخش حقایق مابعدالطبیعی (فلسفی)، روان‌شناختی (انسان‌شناختی) و اخلاقی تقسیم می‌شود. سنتی که مورد ملاحظه است در واقع همان حکمت جاوید و به تعبیری خرد جاوید است، با این تفاوت که حکمت جاوید بیشتر بر جنبه عقلانی و خرد جاوید علاوه بر آن به جنبه درک شده حقیقت واحد تأکید می‌کند. در دل هر دین، گوهر عظیم و عمیقی نهان است که از آن به حکمت

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

جاویدان و خالده یاد می‌شود. این گوهر در تفکر اسلامی به حکمت خالده معروف است و در فارسی هم به جاویدان خرد مشهور است. نصر معتقد است که این گوهر اصیل در مفهوم قرآنی به الدین الحنیف معروف است. به تعبیر لایب نیتز، حکمت خالده به مجموعه‌ای مرکب از مابعدالطبیعه‌ای که به حقیقتی الهی تصدیق دارد و برای تحقق عالم جمادات، نباتات و حیوانات ضروری است، اشاره دارد. روانشناسی که در نفس آدمی چیزی شبیه حقیقت الهی یا حتی عین آن را می‌یابد و نیز اخلاقی که غایت بشر را در علم به مبدأ کل موجودات که هم داخل موجودات است و هم خارج از موجودات می‌داند. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۲۶)

**هنجارهای مرسوم:** در برگزیده واژگان، اصول، مفروضات، معیارهای مشترک برای آزمون مدعیات دانش، مسائل، تمایزات مفهومی و امثال آن است. (بهروزی‌لک، ۱۳۸۳: ۶۱)

**زمینه عملی:** عبارت از فعالیت سیاسی یا خصیصه‌های مربوطه مسأله انگیز جامعه‌ای است که مؤلف آن خطاب قرار می‌دهد و متن پاسخی به آن است. (بهروزی‌لک، ۱۳۸۳: ۶۱)

## نظریه و روش

### روش اسکینر

روش اسکینر روشی است که میان پذیرش مؤلف و زمینه هر دو را می‌پذیرد و لذا رویکردی میانه تلقی می‌شود. این روش از رابطه قصد مؤلف با زمینه‌ای که در آن اندیشیده است توجه کرده و به کارگیری اصول زبانی، در کنش گفتاری سعی در ارائه روش برای فهم درست اندیشه دارد. (منوچهری، ۱۳۸۳: ۴۲) اسکینر دیدگاهش را در کتاب (Meaning and context) طرح کرده که به زبان فارسی ترجمه نشده اما؛ کتاب مهم ماکیاولی که تفسیری از اندیشه‌های ماکیاولی توسط اسکینر می‌باشد در ایران ترجمه گشته است. اسکینر در این کتاب به ارائه تفسیری از اندیشه ماکیاولی بر اساس اصول هرمنوتیکی خود پرداخته است. (بهروزی‌لک، ۱۳۸۳: ۵۹) اسکینر برای نمونه، در کتاب ماکیاولی به بررسی محیط فکری و سیاسی او می‌پردازد که لازم است محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده است، بازآفرینی شود. پس از بازگرداندن ماکیاولی به جهانی که



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته، آنگاه خواهیم توانست کم کم قدر حمله فوق‌العاده بدیع و بی‌سابقه او را به اصول مسلم و متداول اخلاق در آن روزگار بدانیم و به ارزش آن پی ببریم. و پس از پی بردن به نتایج و تبعات نظرگاه اخلاقی وی، به آسانی خواهیم دید که چرا هنوز هرگاه بحث از مسائل مربوط به قدرت و رهبری سیاسی پیش می‌آید، غالباً نام او ذکر می‌شود. (اسکینر، ۱۳۹۰: ۱۰۸) بنابراین با توجه به این الگو به نظر می‌رسد که اندیشه سیاسی هر اندیشمندی، تابعی از زمینه‌های ذهنی و عینی خاصی است. به تعبیر دیگر اندیشه سیاسی اندیشمندان مبتنی بر زمینه‌های ذهنی و عینی است و بررسی این دو متغیر ما را در درک ماهیت اندیشه اندیشمندان یاری می‌دهد.

### چگونگی هرمنوتیک اسکینر در تحلیل اندیشه نصر

برای پیاده‌سازی روش با توجه به نوع انتخاب چارچوب نظری این موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱. بررسی بیوگرافی و زندگی‌نامه شخص از آغاز زندگی تا رسیدن به بلوغ فکری و سپس تا حاضر برای فهم هر چه بهتر نحوه شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های مؤلف در بستر تاریخ که چگونه تعلیم و تربیت در روابط اجتماعی در آرای یک شخص تأثیرگذارند. ۲. بررسی محیط فکری و سیاسی مؤلف که امکان فهم و بررسی هرچه بهتر آثار را فراهم می‌سازد. با توجه به برداشت‌های مختلف و بلکه متناقضی که از نصر به عنوان فیلسوفی غرب‌ستیز و طرفدار تمام عیار سنت‌گرایی ارائه شده است، این پژوهش درصدد است با بررسی شرایط زمانی و تاریخی مختلف عصر نصر بتواند به فراز و فرودهای اندیشه‌ورزی وی پی برده و ارائه دقیق‌تری از اندیشه‌های وی بنماید.

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

### زمینه‌های عینی: «نصر از تولد تا سنت‌گرایی»

ایران در عصر پهلوی دوم آستان حوادث بسیاری است، رویارویی سنت و تجدد و به تبع آن دین و تجدد از مباحث مهم و دارای چالش خانواده و جامعه ایرانی است. مکی در کتاب تاریخ بیست ساله ایران بازای هر شش جلد کتابش، آن دوران را به دوره‌هایی تقسیم می‌نماید. دوره اول: کودتای سال ۱۲۹۹، دوره دوم: مقدمات تغییر سلطنت، دوره سوم: انقراض قاجاریه و تشکیل سلسله دیکتاتوری پهلوی، دوره چهارم: آغاز سلطنت دیکتاتوری پهلوی دوره پنجم: استحکام

دیکتاتور رضاشاه و دوره ششم: استمرار دیکتاتوری رضاشاه. (مکی، ۱۳۶۲: ۴۴) مظاهر تمدن در حال نمایان شدن است مانند تأسیس ارتش جدید در ۱۳۴۱ و به همین میزان از جهت سیاسی حکومت به سوی فضای بسته سیاسی و دیکتاتوری پیش می‌رود. (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۶۷) در فضایی که در دوره پنجم ترسیم می‌شود، از سال ۱۳۰۷ همزمان با توقیف و تبعید مدرس آغاز و تا سال ۱۳۱۲ ادامه می‌یابد. نصر در سال پایانی این دوره در چنین فضا و مکانی در ۱۸ فروردین در تهران و در خانواده‌ای از محققان و اطباء مشهور به دنیا آمد که هم اکنون وی را با عنوان نماینده اصلی بازمانده جریانی با نام سنت‌گرایی می‌شناسند، جریانی که تمدن غربی را بر نمی‌تابد و بشدت مدرنیته‌ستیز است، پدرش نامش را سیدحسین گذاشت، در خانواده‌ای تولد و پرورش یافت که بقول خود وی سرشار از صلح و صفای کودکی و البته کشمکش میان فرهنگ شرقی و غربی، میان سنت و تجدد بود. و همین امر اولین پایه‌های جهان‌بینی فلسفی و عقلانیش را شکل داد و مبنایی یافت که اندیشه‌های بعدی بر آن مبنا استوار شد و بسط پیدا کرد. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۰)

### پیشینه خانوادگی

خانواده پدری و مادری نصر به گونه‌های متفاوتی از فرهنگ ایرانی تعلق داشتند، خانواده پدری به تبار پیامبر تعلق داشت. جدش ملاماجد حسین، مجتهد صاحب نامی در نجف بود. او در قرن دوازدهم هجری به دعوت نادرشاه عازم ایران شد اما در میان راه درگذشت و خانواده او در کاشان ساکن شدند. پدربزرگش احمد در همین شهر متولد و پرورش یافت. او به جهت اینکه فرزند ارشد یک عالم دینی مشهور به نام سیدنصرالله بود، مورد احترام بسیار قرار داشت. احمد در سنین جوانی برای مطالعه طب به تهران آمد و خیلی زود در تهران طبیب مشهوری شد و برای مدتی در دوره قاجار طبیب دربار بود و از شاه لقب نصرالاطباء را دریافت کرد که نام خانوادگی نصر از آن گرفته شده است. خانواده پدربزرگ نصر برای چندین نسل با متصوفه در ارتباط بوده‌اند. یکی از اجداد ایشان، ملاسیدمحمدتقی پشت مشهدی، عارفی مشهور در کاشان بود و مقبره او در کاشان که نزدیکی آرامگاه شاه عباس صفوی واقع شده - زیارتگاه دوستداران تصوف است و به همین دلیل می‌توان گرایش‌های عرفانی دکتر نصر را متأثر از پیشینه خانوادگیش دانست به گونه‌ای که کتابی با همین موضوع، مقالات عرفانی نگاشته و به چاپ رسانیده است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

### میراث‌بری فلسفه از خانواده پدری

پدر نصر، سیدولی‌الله در یک خانواده فرهیخته و مذهبی پرورش یافت، او در کاشان متولد شد و در جوانی به تهران مهاجرت نمود و تحصیلات خود را در موضوعات متداول ایرانی و اسلامی و طب دنبال کرد. او از تنها مدرسه طب آن روزگار، دارالفنون فارغ‌التحصیل و همزمان طب سنتی اسلامی را که از ابن‌سینا ریشه می‌گرفت، دنبال کرد. پدر سیدحسین مانند پدربزرگش طبیب حاذقی شد، اما علاقه‌ای جدی‌تر به فلسفه، ادبیات و تعلیم و تربیت داشت و خیلی زود کارهای رسمی طبابت را رها کرد - اگرچه طبیب دربار باقی ماند - همین داستان برای نصر در دوران جوانی و در خارج از کشور، در آمریکا زمانی تکرار شد که او در یک جلسه سخنرانی شرکت می‌کرد که یک فیلسوف به ایراد سخنرانی پرداخته بود، که در پایان به این نتیجه رسید که زمان تغییر نگاه و ترک تحصیلات فیزیکی به سوی تحصیل در رشته فلسفه است و لذا می‌توان علاقه به فلسفه در وی را متأثر از علاقه پدر به رشته فلسفه دانست. پدر نصر در پایان دوره قاجار تا دوره پهلوی در رأس نظام آموزشی ایران قرار داشت و برای دو دهه در وزارت آموزش و پرورش، رئیس دفتر و بعد وزیر بود. او پس از همکاری و نگارش پیش‌نویس قانون اساسی مشروطیت، بر خلاف میلش عملاً درگیر مقولات سیاسی شد و در اولین مجلس پس از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵ به عنوان نماینده مردم تهران حضور داشت، منش و روش سیاسی ولی‌الله نصر تأثیر قابل ملاحظه‌ای به اقرار خود نصر در ذهن او به جای گذاشته است. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۱) نصر از پدرش با عنوان اولین معلم علمی و اخلاقیش و فیلسوفی برجسته خصوصاً در زمینه اخلاق یاد می‌کند. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۲) که کتابخانه‌ای مشتمل بر چندین هزار کتاب به زبان فرانسه داشت و در همین مکان بود که نصر توانست برای اولین بار با نام‌های مونتسکیو، دکارت، باسیل پاسکال، فرانسیس ولتر و ژان ژاک روسو و همچنین افلاطون و ارسطو آشنا شود.

### میراث‌بری سنت از خانواده مادری

نصر از طرف مادری به خانواده متفاوتی تعلق داشت، بزرگ خانواده که ابتدا از مشروطه دفاع می‌کرد با طرح مشروعه‌خواهی از مشروطه‌خواهی روی برگرداند و دیگر با آن موافق نبود، از تجدد دفاع نمی‌کرد، غرب را رد می‌کرد. همان‌گونه که نصر، فلسفه را از پدر به ارث برد، به نظر می‌رسد که گرایش‌های سنتی وی

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

میراث‌بری این شیخ باشد. پدر بزرگ مادرش، شیخ فضل‌الله نوری از مشهورترین شخصیت‌های سیاسی - مذهبی تاریخ جدید ایران و علمای صاحب اقتدار شیعی روزگار خود و روحانی مشهور ضد مشروطه است. (خندق آبادی، ۱۳۸۰: ۳۲) اما به دلیل مخالفتش با انقلاب مشروطه در ۱۲۸۵ دستگیر و به فرمان حکومت آن زمان به اعدام محکوم شد. شیخ فضل‌الله شخصیتی بود که شاه برای دیدار او به منزلش می‌رفت و از قوی‌ترین مردان روزگار بود؛ اما از صحنه کنار گذاشته شد. نصر معتقد است که این حادثه تأثیر عمیقی بر اولادش گذاشت و خیلی از آنان از متدینینی بسیار محافظه‌کار به تجددگرایان افراطی تبدیل شد و یکی از نوه‌های او دبیر کل حزب توده شد. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۳) مراد نصر از اولاد شیخ فضل‌الله، فرزندش شیخ مهدی است که بر خلاف پدرش مشروطه‌خواه بود و در حالی که شیخ فضل‌الله از مشروطه‌خواهی روی برگردانده، پسرش همچنان در صف مشروطه‌خواهان باقی ماند. در رشت منبر می‌رفت و علیه پدر سخن می‌گفت، شب‌نامه چاپ می‌کرد و سرانجام در راه مشروطه‌خواهی کشته شد و مرادش از نوه پسر همین شیخ مهدی است که شش ماه بعد از مرگ پدر زاده شد که او را نورالدین نامیدند که با نام کیانوری معروف گردید و از مؤسسان حزب توده ایران بود که در عصر انقلاب اسلامی دبیر اول این حزب شد، گروهی بر این باورند که دلیل انتخاب کیانوری به دبیر کلی حزب توده درست در بدو پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل مناسبات او با نهاد روحانیت بوده است. آبراهامیان او را اشراف‌زاده‌ای بی‌ثروت خوانده است. (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۶۶) چرا که همسر او مریم فیروز یا مریم فرمانفرمایان به خانواده بزرگی از اشراف ایران تعلق داشت، پس او از سویی از روحانیت نسبت می‌برد و در دیگر سو با اشرافیت نسبت داشت. مادر نصر، دختر بزرگ خانواده بود که در تنها مدرسه متوسطه دختران زمان خویش که بالاترین سطح آموزشی برای زنان بود درس خواند و از اولین زنان متجدد و تحصیل‌کرده بود و ایمان اسلامیش - بقول دکتر نصر - را با تمایلات خاصش برای مشارکت در فعالیت‌هایی که به منظور دفاع از حقوق زنان انجام می‌گرفت و مشارکت در مؤسسات اجتماعی که به زنان می‌پرداختند، جمع کرده بود. مادرش وی را در زمان پچگی - که فرزند اول خود بود - به اماکن مهم زیارتی مانند قم و شهر ری می‌برد که نصر از آن به عنوان تجربه‌ای از امور مقدس، که هنوز هم در ذهن و خاطر به نحوی فراموش نشدنی باقی مانده است، بیان می‌کند و بر این امر



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶



تأکید می‌نماید که باز مادرش و نه پدرش احکام عبادی اسلام و خصوصاً نمازهای یومیه را به وی آموخته است. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۴)

## آموزش

### دوره اول: از کودکی تا سفر به آمریکا ۱۳۱۲-۱۳۲۵

نصر این دوره را اولین و تعیین‌کننده‌ترین دوره زندگی خود می‌خواند. (نصر، ۱۳۸۳: ۲۲) دوره‌ای که می‌توان آن را شروع آموزش‌های ابتدایی نصر دانست، حسین چون فرزند ارشد خانواده بود در خانه مراقبت شدیدی نسبت به آموزش اعمال می‌شد، در دوران پیش از دبستان، در ساعات زیادی از هفته آیات قرآن، شعر و تاریخ، خصوصاً تاریخ مذهب را می‌آموخت و به علت استعداد در سن سه سالگی خواندن و نوشتن را فرا گرفت. خانه پدری متأثر از اندیشه‌های اسلامی بود و فضای خانه به اندرونی و بیرونی تقسیم شده بود، کودکی نصر در تابستان در دامنه کوه دماوند و در روستایی به همین نام می‌گذشت، جایی که نصر را برای اولین بار با طبیعت بکر و باشکوه و صف‌ناپذیرش آشنا کرد و عاملی شد که عشق عمیقی - به قول نصر - نسبت به طبیعت در وی جوانه زند علاقه‌ای که در تمام طول زندگی از آن دم زده است، طبیعت از فاکتورهای مهم و قابل توجه سنت‌گرایان است که تقریباً هر یک از ایشان نوشته‌ای با این موضوع چاپ نموده‌اند که می‌توان به کتاب انسان و طبیعت نصر اشاره نمود. خانه ایشان در امتداد مسجدی قرار داشت که صدای مؤذن به هنگام اذان به گوش می‌رسیده است که به نحو فراموش نشدنی - بقول نصر - در خاطر وی حک شده است. نخستین سال‌ها برای نصر از منظر فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، پدر و مادرش وی را تشویق به حفظ اشعاری از فردوسی، نظامی، سعدی، مولوی و حافظ و شرکت در جلسات مشاعره می‌کردند که یک ماه یک بار یا هر دو ما یکبار برگزار می‌شد و در آن برخی از بزرگ‌ترین رجال ایرانی که برخی از آنها از شخصیت‌های مشهور سیاسی هم بودند شرکت می‌کردند و در آنجا بود که نصر برای اولین بار با چهره محمدعلی فروغی و شاعر بزرگ دوره پهلوی، ملک الشعرای بهار و چند تن دیگر آشنا شد.

تعلیمات رسمی نصر در سن پنج سالگی و از پایه دوم آغاز شد و دو سال بعد به علت جابجایی خانه به مدرسه جمشیدجم که متعلق به زرتشتیان بود رفت که به

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

دلیل کیفیت بالای آموزشی‌اش بسیار مشهور بود. نصر در باره تأثیرات آموزشی و فرهنگی که در این دوره بر او وارد شده سخنی به میان نیاورده است و سایرین نیز به این مطلب نپرداخته‌اند، ولی می‌توان گفت که تساهل و تسامح دینی را از این مدرسه تأثیر برده است که از اصول مهم و بنیادین سنت‌گرایان است که از آن به وحدت متعالیه ادیان یاد می‌کنند. در این دوران افراد بسیاری به خانه و محل زندگی نصر رفت و آمد داشتند. از علمای سنتی گرفته تا جوانانی که پس از تحصیل در اروپا خصوصاً فرانسه و آلمان به ایران بازگشته بودند و تا ملی‌گراها و متجددین متعصب و حتی افراد با گرایشات چپ، و از اینجا بود که نصر از کودکی با چهره و تفکرات این افراد آشنا شد مانند قوام‌السلطنه، منصور الملک، سیدحسن تقی‌زاده، فریدون کشاورز، ایرج اسکندری، سیدمحمدکاظم عصار، هادی حائری - به نظر بسیاری وی بزرگ‌ترین مثنوی‌شناس زمان خود بود - که بعدها نصر بسیاری از اصول تصوف را از او آموخت، علی‌اصغر حکمت، وزیر آموزش و پرورش و وزیر امور خارجه، علی اکبر سیاسی، رئیس دانشگاه تهران، بدیع‌الزمان فروزانفر، علی اکبر دهخدا و ...

#### دوره دوم: حضور در آمریکا (۱۳۳۷-۱۳۳۵ ه.ش)

پس از آنکه پدر نصر بر اثر تصادف زمین‌گیر و مبتلا به ذات‌الریه و ضعف شدید شد، خانواده نصر احساس کردند که بهتر است سیدحسین در زمان مرگ پدر، بعثت وابستگی شدید که به او داشت، در کنار او نباشد. بنابراین تصمیم گرفته شد که وی به آمریکا برود و در کنار دایی‌اش، عماد کیا که آن زمان سفیر ایران در نیویورک بود، تحت مراقبت او به تحصیلات خود ادامه دهد. این سفر همزمان با پایان جنگ جهانی دوم شد. در راه سفر نصر مجبور شد توقف یک‌ماهه‌ای در قاهره داشته باشد و در انتظار بلیط سفر با کشتی به آمریکا بماند. قاهره در آن زمان بسیار متجددتر از تهران بود و تجربه حضور در مناطق مرزی قاهره تأثیر خاصی بر وی گذاشت که نصر از آن در حکم مقدمه‌ای برای ورود به جهان غرب یاد می‌کند. بسیاری از ساکنین هتلی که وی در آن حضور داشت اروپایی بودند بگونه‌ای که یک هتل درجه یک اروپایی به نظر می‌آمد، اما در آنجا هم عناصر اسلامی و هم مصری وجود داشت و همه خدمت‌کاران، لباس‌های سنتی و مصری بر تن داشتند. پس از ورود به آمریکا دوره جدیدی در زندگی نصر آغاز شد که کاملاً با آنچه در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

زندگی قبلی خود تجربه کرده بود فرق داشت. نصر از سال‌های اولیه آمریکا، که تحصیلات مقدماتی را در ساحل شرقی آمریکا گذرانده است از دورانی که دچار خلأ عاطفی و فرهنگی شده بود یاد می‌کند. وی توست در آزمون‌های سراسری متعددی که در ریاضیات برگزار می‌شد بالاترین نمره‌ها را دریافت کند و لذا همه معلمان معتقد بودند که باید تحصیلاتش را در ریاضیت یا فیزیک ادامه دهد و مشورت‌های اینان و تمایل قبلی وی برای فهم حقیقت اشیا باعث شد که تحصیلاتش را در کالج پدی که یک مدرسه مسیحی پروتستان بود ادامه دهد و با وجود اینکه وی مسلمان بود باید در مراسم کلیسایی صبح روز یکشنبه شرکت می‌کرد. پس از تحصیلات متوسطه در ۱۷ سالگی در ۱۹۵۰، تحصیلاتش را به عنوان اولین دانشجوی ایرانی ام‌آی‌تی آغاز کرد. وی رشته فیزیک را فقط به این دلیل که امکان تحصیل معرفت درباره طبیعت اشیا را به او می‌دهد، انتخاب نمود. نصر در پایان سال دوم دچار یک بحران عقلی شد، وی در یکی از مجالس سخنرانی راسل شرکت و از او در باره ماهیت فیزیک پرسید و او جواب داد که فیزیک فی نفسه با ماهیت راستین واقعیت مادی سروکار ندارد، بلکه به آن دسته از ساختارهای ریاضی می‌پردازد که با تفسیرهای شخص ناظر مرتبطند، نصر در آن لحظه تصمیم گرفت فیزیک را رها نماید اما بر آن شد که سه سال دیگر در رشته فیزیک بماند و در آن فارغ‌التحصیل شود. نصر در این مدت به مطالعات علوم انسانی رو آورد و توسط جورج دی سانتیلانا با کتاب‌های گنون و کوماراسوامی آشنا شد و از طریق یکی از دوستانش توانست با همسر کوماراسوامی آشنا شود و از کتابخانه شخصی کوماراسوامی استفاده نماید، آثاری از خود او و سایر سنت‌گرایان از گنون گرفته تا شووان، بورکهارت، لینگز و دیگران. کتابخانه‌ای که در آن احساس می‌شود واقعاً در عالم سنتی هستی و از کشمکش‌ها و پیشانی‌های عالم جدید فارغی. (نصر، ۱۳۸۳: ۳۹) از طریق مطالعه این آثار، نصر این یقین را پیدا نمود که حقیقتی وجود دارد و می‌توان بر این حقیقت از طریق علمی که به وسیله عقل و هم‌چنین وحی حاصل می‌شود، دست یافت. نوشته‌های سنتی، خصوصاً آن دسته از نوشته‌های شووان که در آنها بر لزوم انجام ممارست‌های معنوی در کنار تحصیل معرفت نظری تأکید می‌کرد، نقش اساسی در شکل‌گیری جریان زندگی نصر، از همان زمان تاکنون داشته است.

نصر هنوز تصمیم قطعی برای ترک رشته فیزیک و انتخاب رشته فلسفه نکرده

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

بود و لذا به هاروارد رفت و رشته زمین‌شناسی و ژئوفیزیک را برگزید، در ادامه دوران تحصیلات، وی علاقمند رشته تاریخ علم و فلسفه شد و دکترای را در این رشته ادامه داد، علاقه‌اش از این جهت بود که می‌خواست گونه‌های دیگر علم به طبیعت را بشناسد و دلایل این امر را بجوید که چرا علم جدید به چنین گسترشی دست نیافته است، به همین دلیل رفت و آمدی با دانشکده تاریخ علم که جورج سارتن تأسیس نموده بود، برقرار کرد و با سارتن که خود متخصص بزرگی در علوم اسلامی بود ارتباط پیدا کرد. وی رساله دکتری با موضوع نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت را انتخاب نمود و توانست از راهنمایی‌های برنارد کوهن که پس از مرگ سارتن رئیس دانشکده تاریخ علم شده بود استفاده نماید. او شخصاً مخالف پوزیتیویسم فلسفی حاکم بر بسیاری از فلاسفه و مورخان علم آن روز بود و نصر را تشویق کرد که سعی کند بر پایه دیدگاه‌های خود او به تحقیق در علوم اسلامی بپردازد. در همین دوره بود که وی با کسینجر آشنا شد، وی در آن زمان استاد دانشگاه هاروارد بود، اما نصر هیچ‌گاه سعی نکرد در کلاس‌های وی شرکت نماید؛ زیرا به او بی‌اعتنا به اندیشه‌های سیاسی بوده است. نصر در اجرای دو برنامه تابستانی، دستیار کسینجر شد. برنامه‌ای که در آن نویسندگان، استادان و فعالان مشهور سیاسی و اجتماعی در تابستان به هاروارد دعوت می‌شدند. زمانی که نصر به ایران بازگشت، در جریان دیدارهای کسینجر از ایران از او دوری می‌گزید، نصر علت آن را عدم تمایلش به داخل شدن در مشاجرات سیاسی بیان می‌نماید. زمانی که نصر رساله دکتری خود با عنوان تلقی‌های گوناگون از طبیعت در اسلام را در ۱۹۵۸ در هاروارد به پایان برد، تصمیم گرفت برای همیشه به ایران بازگردد در حالی که پیش از آن به تقاضای دی سانتیلانا، در نوشتن مجموعه تاریخ علم از مجموعه کتاب‌های راهنمای کتابخانه جدید آمریکا همکاری می‌کرد و بخش علوم اسلامی را نگاشت که با عنوان علم و تمدن در اسلام توسط هاروارد منتشر شد. او در ۱۹۵۸ به عنوان اولین ایرانی موفق به درجه دکتری از هاروارد شد.

### بازگشت به وطن بعد از ۱۳ سال (۱۹۵۸م/۱۳۳۷.ش)

نصر پس از ورود به ایران همچون یک فرد سنتی، از اعضای خانواده خواست تا همسر مناسبی برای وی برگزینند. وی با سوسن دانشوری که از خانواده‌ای نیمه سنتی، نیمه متجدد بود ازدواج کرد و هم‌اکنون یک دختر و یک پسر با نام



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

سیدولی‌رضا و لیلا دارد. تأکید نصر بر این مطلب که هر جا که نام کوچک خود و یا فرزند پسرش را می‌برد از پیشوند سید استفاده نماید از نکات مهم روانشناسی شخصیت در وی است که از یک طرف به نظام مذهبی و دینی ذهن او و از سویی به تفکرات سنتی وی اشاره دارد. نصر اندکی پس از ورود به ایران به عنوان استاد تاریخ علم و فلسفه در دانشگاه تهران آغاز به کار کرد، دانشگاه در آن زمان، عمیقاً به لحاظ نظری متأثر از فلسفه و علوم انسانی فرانسوی بود، همچنین به علت سیاست‌های آموزشی اوایل دوره پهلوی اندیشه‌هایی اساساً فرانسوی بر اغلب گروه‌های دانشکده حاکم بود. نصر به سرعت توانست، موضع خود را در گروه فلسفه تثبیت نماید و نفوذ بیشتری در دانشکده بدست آورد و در سی سالگی جوان‌ترین شخصی بود که در دانشگاه تهران به درجه استادی کامل رسیده بود. او سعی کرد از این نفوذ برای تحول در آموزش فلسفه استفاده کند. (خندق‌آبادی، ۱۳۸۰: ۳۴) او می‌خواست آموزش فلسفه اسلامی را تقویت کند تا مبنایی باشد که دیگر فلسفه‌های خصوصاً فلسفه غربی بر اساس آن مبنای مطالعه شوند نه اینکه به گونه‌ای به مطالعه غرب پرداخته شود که گویی ایرانیان به سنت اروپایی تعلق دارند. (نصر، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۴) او برای تقویت آموزش فلسفه اسلامی از محمدکاظم عصار و ابوالحسن شعرانی برای تدریس دعوت نمود و فشار وی باعث شد واحد عمومی اجباری در فلسفه و فرهنگ اسلامی در برنامه رسمی اضافه شود که خود آن را تدریس می‌نمود و یک درس سمینار در دوره دکتری در باب اندیشه اسلامی اضافه شود که او و کرین مشترکاً آن را تدریس می‌کردند. نصر همچنین در سال‌های ریاست بر دانشکده سعی نمود، قلمرو مطالعه فلسفه غرب را گسترش دهد تا فلسفه‌های اخیر آلمانی و مکاتب انگلوساکسونی نظیر پوزیتیویسم منطقی و فلسفی تحلیل را هم در بر بگیرد و لذا از فردید برای تدریس فلسفه غرب استفاده نمود. تلاش نصر، آموزش فلسفه اسلامی از منظری سنتی بود. این فعالیت‌های فلسفی فقط به بخش‌های تحصیل‌کرده جدید جامعه محدود نمی‌شد، بلکه گروه‌های سنتی را هم در بر می‌گرفت، بحث‌های فلسفی طولانی با بسیاری از فیلسوفان سنتی از جمله مرتضی مطهری و سیدجلال‌الدین آشتیانی و همچنین بحث‌های فلسفی‌ای با چهره‌های مذهبی تجددگرا مانند علی شریعتی.

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

## رکود سیاسی: سرگردانی طبقه متوسط جدید (روشنفکران)

دهه ۳۰ تجربه جدیدی را برای ایران رقم زد، تجربه‌ای بسیار متفاوت از دهه‌ای که سپری شده بود. دهه ۲۰، دهه‌ای که پس از تبعید رضاشاه عصر جدیدی برای ایرانیان بود، ایران شاهد آزادی نسبی در عرصه سیاسی بود، مطبوعات زیادی پا به عرصه وجود گذاشتند که نوعی هرج و مرج در عرصه رسانه‌های ارتباط جمعی برای مردم پدید آمد. نصر در این دهه، پس از سیزده سال دوری از وطن به ایران بازگشته بود و به میان طبقه متوسط و جدید پا گذاشته بود که عمدتاً آنان تحصیلات خود را در خارج از کشور گذرانده بودند، طبقه تحصیل کرده‌ای که اکنون به ایران بازگشته و خواهان آن بودند که آنچه آموخته‌اند را به عرصه عمل بنشانند. دهه‌ی ۳۰ بیش از هر چیز یادآور، دل‌سردی و یأس روشنفکران ایرانی است. کودتای ۲۹، به معنای شکست طبقه متوسط جدید و روشنفکران ایرانی بود. شاه بعد از بازیابی قدرت، سیاست برخورد قاطعانه در برابر روشنفکران و کارگران و احتیاط در برابر طبقه متوسط سنتی را پی‌گیری کرد. (آبراهامیان، ۳۸۳-۳۸۴) اقدامات دولت در زمینه تضعیف مستمر احزاب و جنبش‌های اجتماعی - سیاسی، دوره‌ای از سکوت و یأس را برای جنبش‌های روشنفکری به همراه داشت. (قزلسفلی، ۱۳۸۰: ۱۷۱) این سرکوب بیش از هر چیز حزب توده را شامل گردید، که بخش عمده‌ای از روشنفکران و نویسندگان ایرانی در دهه ۲۰ از اعضای فعال آن بودند. سرکوب حزب توده به معنای حاشیه‌نشینی طیف عظیمی از روشنفکران بود. این حاشیه‌نشینی باعث گردید که روشنفکران به دو گروه حکومت‌گرا و حکومت‌گریز تقسیم گردند. حکومت‌گراها در نهادهایی همچون کانون ترقی و مؤسسات دولتی متمرکز شده، از گرایش‌های راست و چپ تشکیل شده بودند. اما حکومت‌گریزها از چپ‌ها پراکنده از هر طیفی، کسانی که شعر نو می‌گفتند، داستان می‌نوشتند. در فضای رکود سیاسی دهه ۳۰، هدف برنامه‌های اقتصادی حکومت، ایجاد یک طبقه متوسط بعنوان پایگاه اجتماعی رژیم بود که در سیاست‌های اقتصادی دولت اقبال تبلور یافت که سرمایه‌گذاری خارجی، واردات کالاهای لوکس و مصرف خانگی تشویق می‌شد. (امجد، ۱۳۸۰: ۱۱۴) حکومت تلاش می‌کرد ضمن حفظ رضایت جامعه شهری بالاخص تحصیل‌کردگان از پیدایش مخالفت سیاسی جدی جلوگیری نماید. همچنین، در برابر قدرت بزرگ مالکان قدرت جدید سیاسی ایجاد کند. نتیجه این سیاست رونق واردات و موج



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

مصرف کالاهای جدید بود. در حالی که روستائیان فقیرتر می‌شدند. (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۲۵۳-۲۵۵) رشد هزینه‌های نظامی و بروکراتیک دولت را تحت فشار قرار می‌داد. در ۱۳۳۹ بحران اقتصاد ایران را فراگرفت، که حاصل آن کسری انباشته‌تر از پرداخت‌ها، بیکاری، تورم، و مصرف‌زدگی می‌باشد. نوسازی اقتصادی و اجتماعی در دهه ۳۰ که با برنامه‌های دولت اقبال پی‌گیری شد، بیش از هر چیز به مصرف‌زدگی و گسترش مظاهر زندگی جدید در جامعه دامن زد. همچنین، گسترش تحرک اجتماعی سنت‌های اجتماعی و فرهنگی را دچار اضمحلال نمود. در چنین شرایطی جامعه وارد دهه ۴۰ گردید که سال‌های انتقاد در برابر این تحولات است.

### نصر و فلسفه، ایران و تجدد (۱۳۴۰-۱۳۵۷. ش)

نصر، فارغ از حوادث روزمره ایران، دل‌مشغول فعالیت‌های خویش، توجه به فلسفه و سنت بود به گونه‌ای که کمتر اخبار و پیامدهای اقدامات دولت را دنبال می‌کرد. شاه با برکناری امینی و روی کارآوردن اقبال به دنبال آنچه آن را انقلاب سفید نامید، بود. شاه توانست برنامه اول و دوم توسعه را پیاده نماید. در حالی که سخن از توسعه بود، شاه فضای بسته سیاسی بوجود آورد که به معنای افزایش اختیارات و دیکتاتوری بود. شاه امیدوار بود با برگزاری رفراندوم انقلاب سفید در ۶ بهمن ۱۳۴۱، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی را رهبری و پایگاه طبقاتی گروه‌های چپ، ملی و مذهبی را تضعیف کند. انقلاب سفید نتوانست اهداف طراحان را برآورده سازد اما، تنها گروهی را که شاه بعد از کودتای ۲۸ مرداد با آنها درگیر نشده بود، یعنی نیروهای مذهبی، به مبارزه با حکومت کشاند. (نجاتی، ۱۳۷۳: ۲۱۶)

وضعیت جدید، عملاً تمام لایه‌های اجتماعی را در برابر رژیم قرار داد و بیهودگی تلاش‌های شاه برای تضعیف آنها را نمایان ساخت. (آبراهامیان، ۳۸۳-۳۸۴) ایده انقلاب سفید در آغاز دهه ۴۰ بازتاب وضعیت اجتماعی ایران و تقاضا برای تغییرات بنیادی بود که تأثیر خود را در گزینش واژه انقلاب برای اصلاحات اجتماعی توسط شاه نشان می‌دهد. (میلانی، ۱۳۸۱: ۳۸) ایجاد زمینه پذیرش ایده انقلاب توسط توده مردم، نیازمند یک ائتلاف فراگیر از طبقات مختلف اجتماعی و ایدئولوژی در حد فهم توده‌ها و با ویژگی اتوپایی است. تقاضا برای تغییر که با ایجاد طیفی گسترده از جریان‌های مخالف شامل روشنفکران و نیروهای مذهبی

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

پدیدار شد بیش از هر چیز نیازمند ادبیاتی انتقادی بود. آل‌احمد منتقد جدی و علنی فضای فرهنگی، اجتماعی ایران، انتقادات خود را حول مفهوم غربزدگی در گزارشی در ۸ آذر و ۲۸ دی ۱۳۴۰ به شورای هدف فرهنگ ایران ارائه داد که توسط وزارت فرهنگ تشکیل شده بود. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۴۸) آل‌احمد، مفهوم غربزدگی را که مبتنی بر خود هویتی و مسأله رویارویی با تمدن غرب بود (ازغندی، ۱۳۷۹: ۱۴۰) را از گفتارهای فردید وام گرفت و از مفهومی مدرسی به ابزار سیاسی برای ابراز مخالفت با مصرف‌گرایی و رواج تقلید از مظاهر تمدن غرب تبدیل کرد. (بروجردی، ۱۲۰: وی با تاکید بر هویت ملی و قومی، زمینه توجه به سنت‌های فراموش شده و ایجاد روحیه تقابل با سلطه فرهنگی بیگانه را در میان روشنفکران و توده مردم تقویت کرد. (بروجردی، ۱۳۷۸: ۱۱۱) آشوری ضمن نقادی برداشت آل‌احمد از مفهوم غربزدگی، که بازگشت به گذشته را توجیه می‌نماید، غربزدگی را نوعی دردشناسی معرفی می‌کند. مسأله اصلی در غربزدگی، تهی‌گشتن انبوهی از فرهنگ‌های متنوع و زنده از قدرت خلاقیت و ارزش‌هایی می‌باشد که زندگی انسانی این جوامع را معنادار می‌ساخت. (ضرابی، ۱۳۵۱: ۱۰۵) از نظر وی، خروج از غربزدگی نیازمند جذب سریع فرهنگ، تکنیک و علم غربی در چارچوب ارزش‌هایی می‌باشد که حاوی نفی غرب است. (ضرابی، ۱۳۵۱: ۱۰۷) آل‌احمد برای ایجاد چنین ارزش‌هایی، سودای بازگشت به گذشته و نوستالژی و غم غربت گذشته را دارد و اصالت و ریشه‌دار بودن را در سنت و مذهب جستجو می‌کند، بی‌آنکه ترکیبی جدید و اورگانیک تولید نماید. (ضرابی، ۱۳۵۱: ۱۰۸) بنابراین، آشوری ماموریت روشنفکران را، ارزیابی تلاش‌های نسل‌های گذشته و ساخت معیارهای نو برای سنجش شناخت می‌داند که ما را از تردیدهای سخت برهاند و هم اصیل و ریشه‌دار باشد و این وظیفه دشوار این نسل است. (ضرابی، ۱۳۵۱: ۱۱۰)

نصر از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ مسئولیت ریاست دانشکده را بر عهده داشت و مدتی هم قائم مقام ریاست دانشگاه تهران بود، این موقعیت‌ها این فرصت را به او داد تا بتواند برنامه‌های علوم انسانی بطور کلی و فلسفه را به طور خاص قوت بخشد، انتقاد مداوم وی از تقلید کورکورانه از علم‌گرایی غربی و طلب‌گزینش کلی فن‌آوری غربی غالب ایران آن زمان منجر به این امر شد که در ۱۳۵۱ بعنوان ریاست دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف کنونی) انتخاب شود و در ۱۳۵۲ مسئول تأسیس



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶



انجمن ایرانی فلسفه شد. نهادی که تحت عنوان انجمن شاهنشاهی فلسفه شناخته می‌شد. انتخاب عنوان شاهنشاهی و نه سلطنتی به پیشنهاد کرین بود که تقلیدی از واژه (Kaiserlich) آلمانی در نام انجمنی در برلین است. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۰۱) انجمن نشریه‌ای چندزبانه با عنوان جاویدان خرد، داشت که سردبیران آن هادی شریفی و پیتر ویلسون بودند. این نشریه در دوره کوتاه مدت چهارساله خود، شهرتی بین‌المللی به دست آورد و از سنت‌گرایانی چون شووان، مارکوپالیس، المیره زولا، براین کمپل، لئو شایا، فیلیپ شوارد، ویتال پری، کوماراسوامی، کانتین و ... مقالاتی به چاپ رساند. جاویدان خرد، محلی یگانه برای تلاقی فیلسوفان شرق و غرب و سنت و تجدد بود. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۰۴) به رغم تعطیلی جاویدان خرد، انجمن از زمان انقلاب به فعالیت‌هایش ادامه می‌دهد و حتی در برخی زمینه‌ها، فعالیتش را گسترش داده اما قادر نبوده که حضور بین‌المللی سال‌های نخستین را داشته باشد. زمانی، برخی از تواناترین اذهان فلسفی، از پیر و جوان، شرقی و غربی قادر بودند که در آنجا پژوهش و مطالعه کنند و به برخی از پرسش‌ها و پاسخ‌های جاویدان فلسفه و همچنین نزاع‌هایی پردازند که به واسطه عالم جدید پیش روی بشریت قرار گرفته است.

دهه ۵۰ در حالی آغاز می‌شد که فضای فکری و سیاسی ایران بیش از هر چیز انباشته از ایدئولوژی‌ها و در سودای تغییرات بزرگ بود. تقاضای تغییر، توجه به پیوند اندیشه و تغییرات اجتماعی و مسئولیت روشنفکران در دهه ۴۰ باعث گردید که طیف گسترده‌ای شامل روشنفکران و روحانیون به نظریه‌پردازی و انتقاد از سیاست‌های حکومت پردازند. دامنه نقد از تجدد و شبه مدرنیسم تنها به روشنفکران غیر حکومتی محدود نماند و افرادی همچون احسان نراقی نیز به این جریان پیوسته و تحت تأثیر آن قرار گرفته بودند. (بروجردی، ۱۳۷۸: ۲۱۴) در واقع، همانگونه که در گزارش وضعیت دهه ۴۰ بیان گردید نقد وضعیت موجود در تقاضای تغییر آن، برای اولین بار، در شورای هدف فرهنگ ایران وابسته به وزارت فرهنگ مطرح شد. گسترش این فضا بیش از هر چیز رژیم سیاسی را در مقابل مبارزه‌ای ایدئولوژیک قرار داد که نقادی سیاست نوسازی حکومت، تقلید از غرب و غربزدگی، و تجدد ظاهری محور آن بود. نخبگان جذب شده به نظام اداری در دهه ۴۰ و ۵۰، بیشتر تحصیل کردگان خارج از کشور بوده و بیش از هر چیز به جنبه ابزاری مدرنیته یعنی علم و تکنولوژی علاقه داشتند و بر خلاف اسلاف خود

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

مانند فروغی فکر منسجمی نداشتند. بنابراین، در مباحث ایدئولوژیک جای را برای روشنفکران ایدئولوژیک چپ و اسلام‌گرای تندرو خالی گذاشتند. (جهانبگلو، ۱۳۸۲: ۲۴) این وضعیت باعث تضعیف هر چه بیشتر حکومت از نظر ایدئولوژیک گردید و رژیم خود را در برابر یک مبارزه ایدئولوژیک تنها دید که بطور همزمان توسط گروه‌های چریکی و حرکت‌های سیاسی - فکری پی‌گیری شد. درونمایه ادبیات انتقادی و ایدئولوژیک جدید بیش از هر چیز در ادبیات فکری و سیاسی شریعتی منعکس است که تحت تأثیر سوسیالیسم و جامعه‌شناسی بود. شریعتی در اعتقاد به مذهب شیعه، به مثابه ایدئولوژی رهایی‌بخش و ترقی‌خواه و داروی درمان بیماری خودبیگانگی و غربزدگی با بازرگان و آل‌احمد موضع مشترک داشت (میلانی، ۱۳۸۱: ۱۵۰) وی توانست ترکیب بی‌پروایی از معارف دینی با مفاهیم جدید و بیگانه ارائه کرده و جنبه‌هایی از تجدد را به روابط و نظام‌های ارزشی اجتماعی - مذهبی سنتی جامعه ایران تزریق کند. (بروجردی، ۱۳۷۸: ۱۷۹)

این نکته مهم است که توجه به سنت در ایران در تضاد با مدرنیته بود. نصر جلسات علمی مستقل از نهادهای دولتی و حوزه‌های علوم سنتی و حتی دانشگاهی را پایه‌گذاری نمود. در این جلسات از کربن و علامه طباطبایی دعوت شد. نمایندگانی از شرق و غرب که به موضوعات مربوط به فلسفه اسلامی می‌پرداختند. هدف از برقراری این جلسات، نزدیک شدن روحانیت سنتی دگراندیش به روشنفکران و دانشمندان غربی بود. از سوی دیگر نصر و شریعتی نمایندگان بسیار توانای نسلی از روشنفکران مذهبی بودند که اندیشه غربی را به چالش می‌کشیدند. هر دو در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ نزد بعضی از شخصیت‌های برجسته فکری غرب درس خوانده و در مقام استاد دانشگاه و سخنران، تعالیم اسلامی را رواج می‌دادند؛ اما از جنبه‌های مهم با یکدیگر تفاوت داشتند، در حالی که نصر نزد استادان سنتی اندیشه اسلامی درس خوانده بود، شریعتی در علوم اسلامی سنتی، آموزش رسمی ندیده بود. شریعتی به زبان جامعه‌شناس دین، اما نصر به زبان فلسفه سخن می‌گفت. شریعتی نمی‌توانست با تسلط نصر بر دین‌شناسی تطبیقی برابری کند و نصر در آشنایی با رشته‌هایی چون علوم اجتماعی توانایی شریعتی را نداشت. علاوه بر این، موقعیت نصر به عنوان یک شخصیت فرهنگی نظام سیاسی، نقطه مقابل عقاید ضد حکومتی شریعتی بود. (بروجردی، ۱۳۷۸: ۱۹۷) اوج جدایی نصر و شریعتی هم در حدود ۱۳۴۹ اتفاق افتاد. هنگامی بود که نصر، پس از شنیدن یک سخنرانی شریعتی



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

که در آن امام حسین با چه‌گوارا مقایسه شده بود، از حسینیه ارشاد استعفا داد. (قوچانی، ۱۳۸۳)

همانگونه که توضیح داده شد، نصر از تحولات سیاسی ایران تا حدودی بی‌خبر بود و کمتر نسبت به آنها توجه نشان می‌داد و مشغول فعالیت‌های علمی و فلسفی خود بود. این بی‌خبری و عدم تفکر تجربه سیاسی برای او گران آمد و دلیل این مطلب که خود نیز بر آن تأکید داشته که هیچ‌گاه به مسائل سیاسی و تحولات معاصر اهمیت نداده، پذیرفتن پست سیاسی، آن هم چند ماه قبل از انقلاب ایران در ۱۳۵۶ است و همین امر باعث شد که بسیاری او را به عنوان شخصی سلطنت‌خواه می‌شناسند و همین چند ماه که تنها پست سیاسی است که او تا حال بر عهده داشته است کافی بود که وصله پینه، توجیه سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم شاه و توجیه‌گر اسلام آمریکائی بر او چسبانده شود. نصر از افرادی است که سعی می‌کند کمتر درباره مسائل سیاسی و حوادث روزمره جهانی و بخصوص ایران صحبت کند. هرچند که وی به عنوان یکی از صاحب‌منصبان قبل از انقلاب محسوب می‌شود ولی اندک سخنی در باب انقلاب ایران در سال ۵۷ بیان کرده است. وی در سال‌های فعالیت در ایران، کوشید تا خود را از درگیری‌های مستقیم سیاسی دور نگه دارد. چندین بار مقام‌هایی سیاسی به او پیشنهاد شد که بالاترین مقام‌ها در دولت بودند. اما آنها را نپذیرفت و ترجیح داد خود را یکسره وقف فلسفه، فعالیت‌های تحقیقاتی و تعلم کند. در اواسط ۱۹۷۸ دوگانگی شدیدی میان ارکان دینی جامع و ساختار سیاسی حاکمه کشور پدیدار شد. بسیاری از محققان دینی برجسته که برخی از آنها بعداً به عضویت نیروهای انقلابی درآمدند، می‌خواستند تا در آن زمان یک معادله جدید قدرت را میان دربار و مراجع دینی ایجاد کنند و احساس شد که نصر از معدود افرادی است که مورد اعتماد دو طرف است و می‌تواند در ایجاد نظم تازه و اجتناب از بی‌نظمی نقش مهمی را ایفا نماید. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۳۴)

### غربت غربی (۱۳۵۷-۱۹۷۹)

نصر، از مهاجرت خود به غرب، با عنوان غربت غربی یاد می‌کند، سفری که هیچ‌گاه از روی میل و اختیار نبوده؛ بلکه بر او تحمیل شده است. وی که به عنوان نماینده ایران در مراسم افتتاحیه نمایشگاه هنر ایرانی در توکیو انتخاب شده بود، در

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

ژانویه ۱۹۷۹ از ایران خارج شد. در حالیکه این سفر قرار بود دو هفته به طول بینجامد، تاکنون ادامه داشته است. او ابتدا به لندن رفت و از همانجا مطلع شد که باید مدتی در لندن بماند و به تهران بازنگردد. وی در حالیکه ۴۵ سال داشت همراه با همسر و فرزندانش بدون حمایت مالی در لندن سرگردان شد. نصر مجبور شد دو ماه در لندن بماند و سپس به آمریکا رفت. او ابتدا در جایگاه یک فیلسوف مسلمان به حساب می‌آمد و لذا از او انتظار می‌رفت در باب موضوعات مهم فکری و معنوی صحبت نماید، در حالی که او از سخن در باب مسائل سیاسی روز بی‌زار بود و خود را به عنوان یک سنت‌گرا و شارح حکمت خالده به حساب می‌آورد. مهاجرت شووان به آمریکا در ۱۹۸۱ به عنوان مهم‌ترین شارح حکمت خالده بر توجه بیش از پیش به سنت‌گرایی در این کشور افزود. نصر در دهه ۱۹۹۰ به عنوان حامی مرکزی برای مطالعات اسلامی و روابط اسلام و مسیحیت در کالج Oaks در بیرمنگام انتخاب شد و نقش فعالی در تأسیس فعالیت‌های مرکز مطالعات اسلامی - مسیحیت دانشگاه جورج تاون در واشنگتن ایفا نمود. در ۱۹۸۴ دعوت‌نامه‌ای از دانشگاه جورج واشنگتن برای مطالعات اسلامی برای او فرستاده شد. در ۱۹۹۴ هنگامی که در راه سفر به مالزی بود به متن مقاله برخورد تمدن‌ها هانتینگتن، پیش از انتشار آن برخورد کرد و در کوالالامپور در یک سخنرانی برای نخستین‌بار از جهان اسلام به بحث در باب این موضوع پرداخت. وی در برابر این سخن هانتینگتن به مقابله پرداخت و آن را مورد انتقادات جدی قرار داد.

### از محافظه‌کاری تا اسلام‌گرایی سیاسی ۲۰۰۱ م

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در سیر تاریخی اندیشه نصر است. آنچه تا به حال از وی گفته شد که اغلب آثارش بر محور آن دور می‌زند تمرکز بر مسائل فلسفی و انتزاعی است. مباحث عرفان و معنوی در گفتار و اندیشه‌اش به اوج می‌رسد و هر جا به بحث اجتماعی و سیاسی می‌رسد زمین‌گیر می‌شود. این حادثه موجب توجه روزافزون در غرب نسبت به اسلام شد. جهانیان تشنه اطلاعاتی درباره اسلام هستند، اما معمولاً اطلاعات سالمی در این باره در دسترس نیست. این سیل معلومات نه تنها فهم درستی از اسلام فراهم نیاورده بلکه مردم در غرب را دچار گمراهی‌ها و زیان‌هایی نموده است. در این هنگام نصر کتابی را در معرفی اسلام می‌نگارد. برخی از زمینه‌های اجتماعی تألیف کتاب قلب اسلام را باید در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

شرایط پیش آمده بعد از ۱۱ سپتامبر در آمریکا و اروپا دانست که تبلیغات گسترده و سنگین بر ضد اسلام و مسلمانان بوجود آمد و تفکر اسلامی به مثابه تفکری خشن و بنیادگرا معرفی گردید. این توصیف از اسلام، نصر را به پاسخی قاطع در برابر حمله‌های گوناگون وادار نمود. نصر بدون ترس و تقیه به دفاع از اسلام پرداخت. ۱۱ سپتامبر به جای آنکه محافظه‌کاری نصر را بیشتر و روحیه دفاع از اسلام را از وی کم کند و او را به حاشیه ببرد، از او شخصیتی متفاوت در دفاع از اسلام و نقد از مدرنیته می‌سازد. او نه فقط از آرمان دینی خود عقب نمی‌نشیند؛ بلکه از یک سو نسبت ناروای غربی‌ها به اسلام را شایسته نمی‌داند. از سوی دیگر ابعاد فقهی و عرفانی اسلام را بیان کرده و بی‌هیچ اهمه‌ای از ابعاد سیاسی و جهادی دین، دفاعی عقلانی و عرفانی ارائه می‌کند. (بابایی، ۱۳۸۴: ۴۴) نصر علاوه بر رویکرد فلسفی و عرفانی، رویکردی اجتماعی و سیاسی را نیز بیان و به نظام سیاسی مطلوب خود اشاره می‌نماید، کاری که هرگز انجام نداده است و با نگاهی جامعه‌شناختی به مفهوم امت و جامعه اشاره می‌نماید. نصر با دفاع از استقامت مسلمانان، آنان را به مقاومت در برابر غرب توصیه می‌نماید و جنبش‌های اسلامی در فلسطین، چین، کوزوو، الجزایر، بوسنی و ... را دفاعی مشروع از ارزش‌های دینی و فرهنگی می‌داند. وی در مورد کارکرد جهاد در دنیای مدرن و در برداشتی که گروه‌هایی همچون حماس و یا حزب‌الله از جهاد دارند، مهم‌ترین جهادها را جهاد اکبر می‌داند؛ ولی گروه‌هایی که به جهاد اصغر می‌پردازند، تا زمانی که از مملکت، خانواده، دین و فرهنگ خود دفاع می‌کنند، فعالیت آنها جایز است، به شرطی که طبق اصول شرعی و عقلانی باشد. جالب اینکه حرکت‌های انتحاری و شهادت‌طلبانه را هم که برای دفاع از خود و ملت خود انجام می‌گیرد، امری گریزناپذیر می‌داند.

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

## خاتمه

در این مقاله با عنوان بررسی زمینه‌های عینی اندیشه سیدحسین نصر، بر اساس روش اسکینز، سعی در فهم محیط سیاسی و فکری نصر شد تا محیطی را که فکر و آثارش در آن شکل گرفته است، بازآفرینی شود. در این رابطه محیط فکری خانوادگی که در آن پرورش یافت و همچنین محیط سیاسی زندگی در ایران و خارج از ایران در دوره‌های مختلف که قابل تأمل بودند مورد بررسی قرار گرفت.

در این هنگام تا حدودی اصول مسلم و متداول تاریخی آن روزگار مورد شناسایی قرار گرفت. نصر متولد ایران است، محیطی که مردم آن در سنت زیسته و به آن دل بسته‌اند. مادرش از آن رو که از نوادگان شیخ فضل‌الله نوری است در محیطی بشدت سنتی پرورش یافت و توانست گرایش و علاقه به سنت را به خوبی به فرزندش منتقل نماید؛ هرچند که محیطی که او تحصیلات متوسطه و دانشگاهی را گذراند در کشوری غربی بود که قرن‌ها سنت را به کناری افکنده و راه و روشی جدید برای زندگی به نام تجدد را برای خود برگزیده بودند. هنگامی نیز که در دهه ۳۰ به ایران بازگشت، بحث سنت و تجدد از مباحث مهم روز به حساب می‌آمد که نصر با دفاع از سنت از قافله روشنفکران به دور ماند. در دهه ۵۰ هنگامی که مباحث مبارزاتی تشدید شده بود، با دوری از مباحث روز ایرانی و دوری از سیاست، همانند سایر عمرش به مباحث فلسفی و انتزاعی مشغول بود و تنها چند ماه قبل از انقلاب ۵۷ سمتی دولتی را پذیرفت که به زغم خودش به مسائل فرهنگی بپردازد و همین مدت کوتاه کافی بود که برای چند دهه نتواند به کشورش باز گردد. پس از این اجبار به مهاجرت و سکونت در غرب، نه تنها از گرایش‌های او به سنت کاسته نشد؛ بلکه هم اکنون وی را مهمترین بازمانده جریانی به نام سنت‌گرایی می‌شناسند. گرایش اسلام‌گرایانه در وی نیز افزوده شد بگونه‌ای که حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا زمینه‌ساز شد تا سخنرانی‌ها و تألیفاتش را در زمینه اسلام و مسلمانان گسترش دهد به گونه‌ای که عده‌ای نصر را هم‌اکنون به عنوان مهمترین مدافع اسلام در غرب نام می‌برند.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

## منابع

- قرآن کریم
- آبراهامیان، برواند (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، محسن مدیر شانه‌چی، مرکز، تهران.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹) تاریخ تحولات اجتماعی ایران، سمت، تهران.
- اسکینر، کوئنتین (۱۳۹۰) ماکیاولی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، نشر نو، تهران.
- اعوانی، غلامرضا، سنت‌گرایی در نظرخواهی از غلامرضا اعوانی (۱۳۷۷) مجله نقد و نظر، ش ۱۶-۱۵.
- امجد، محمد (۱۳۸۰) ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه‌ی حسین مفتخری مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
- بابایی، حبیب‌الله، نصر متأخر نصر اسلام‌گرا (۱۳۸۴) آینه پژوهش، شماره ۹۱.
- بروجردی، مهرزاد، (۱۳۷۸) روشنفکران ایرانی و غرب، پژوهش فروزان روز، تهران.
- بهنام، جمشید؛ جهان‌نگلو، رامین، تمدن و تجدد (۱۳۸۲)، مرکز، تهران.
- تولی، جیمز (۱۳۸۳) روش اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی، ترجمه غلامرضا بهروزی‌لک، علوم سیاسی، شماره ۲۸.
- خندق‌آبادی، حسین (۱۳۸۰) حکمت جاویدان، مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، تهران.
- ضرابی، علی اصغر، مجموعه مباحثه‌ها (۱۳۵۱) بامداد، تهران.
- قوچانی، محمد، بازگشت نصر و نسبت او با جمهوری اسلامی، روزنامه شرق، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۱) اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مرکز، تهران.
- گنون، رنه (۱۳۶۵) سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، نشر دانشگاهی، تهران، چاپ دوم.
- معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
- مکی، حسین، (۱۳۶۲) تاریخ بیست ساله ایران، ناشر، تهران.
- ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۱) راهی به رهایی، جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت، نگاه معاصر، تهران.

زمینه‌های عینی  
شکل‌گیری سنت‌گرایی  
در نظام فکری ...  
(۳۵ تا ۵۸)

- منوچهری، عباس (۱۳۸۳) شریعتی، عرفان مدنی و هرمنوتیک رهایی بخش، عقل نقاد دینی، ترجمه حسین خندق آبادی، مؤسسه تحقیقات علوم انسانی، تهران.
- میلانی، محسن (۱۳۸۱) شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، گام نو، تهران.
- نجاتی، محمد (۱۳۷۳) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران: از کودتا تا انقلاب، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- نصر، سیدحسین (۱۳۷۹) نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، طه، قم.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، سهروردی، تهران.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳) در غربت غربی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۵) سال‌شمار تاریخ ایران، نوید شیراز، شیراز.
- هاشمی، محمدمنصور (۱۳۸۴) هویت اندیشان و میراث فکری احمد فرید، کویر، تهران.
- سایت [www.Nasr.org](http://www.Nasr.org)



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶